

نگاهی به نقاشی منحصر به فرد حسین الموسوی که امروز در شهر بخارا نگهداری می‌شود

حرمی در بخارا

سید محمد رضا هاشمی برای من آرزوی سفر به ازبکستان با خواندن داستانی کوتاه از «عالیه عطایی» در کتاب «چشم سگ» با عنوان «شب سمرقند» شکل گرفت. قبل از این البته با بیت معروف حافظ که می‌گوید: «اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را/ به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را» هوایی سفر به سمرقند و بخارا و تماشای شکوه باستانی آن‌ها شده بودم. روزهای زیادی گذشت تا اینکه تیم ملی فوتبال افغانستان به مسابقات جام جهانی ۲۰۲۴ ازبکستان راه یافت و من به عنوان یک خبرنگار که یک آرزوی دیرینه دارم، همه تلاشم را کردم که برای پوشش این مسابقات به ازبکستان بروم. هرچند رسیدن به این آرزو به همین راحتی که می‌خوانید نیست اما هرچه به جام جهانی نزدیک‌تر شدیم، امید من هم برای رفتن به ازبکستان کم و کمتر شد. تا اینکه یک روز صبح در اوج ناامیدی پیمای را در واتس‌اپ باز کردم؛ نوشته بود: «ویزای شما آماده است.»

- به نام فوتسال، به کام تاریخ

با این پیش‌زمینه بدیهی بود که سفرم به ازبکستان هرچند به نام فوتسال باشد، به کام تاریخ تمام می‌شود. فرصت مغتنمی بود تا به شهرهای تاشکند، سمرقند و بخارا بروم و نیازی به گفتن ندارد که تماشای شگفتی‌ها و شکوهی که از عهد تیموری برجای مانده، چقدر زیباست. به آن اضافه کنید شنیدن کلمات شیرین فارسی را از زبان شهروندان ازبکستانی که با لهجهای که انگار از دل تاریخ برآمده بود، ادا می‌شد. هرچند سمرقند و بخارا همچون جادوگران چیره‌دست هر لحظه برای من تحفه‌ای تازه رو می‌کردند و من به تصمیمی که برای سفر به ازبکستان گرفته بودم، مطمئن‌تر می‌شدم، تماشای «بخارای شریف» در روز آخر برای من یک هدیه ویژه داشت؛ هدیه‌ای که مرا به یاد مشهد انداخت و چنان دل‌تنگ آن شدم که بغض گلویم را گرفت. مردم ازبکستان نام «بخارا» را به تنهایی به کار نمی‌برند، آن‌ها برای این شهر احترام زیادی قائل هستند و وقتی می‌خواهند نامش را ببرند، می‌گویند: «بخارای شریف» مثل افغانستانی‌ها که نمی‌گویند «مزار»، می‌گویند: «مزارشریف». ماجرا از این قرار است که همه آثار تاریخی درازبکستان به زیبایی و حساسیت بسیار زیادی بازسازی شده‌اند و گردشگران زیادی از کشورهای مختلف دنیا به ازبکستان می‌آیند تا فقط از نزدیک شکوه تاریخ آن را به تماشا بنشینند. حالا فکرش را بکنید برای من افغانستانی که در مشهد به دنیا آمده‌ام و همه عمرم را در «مشهد شریف» زندگی کرده‌ام، دیدن یک یادگاری از شهر مشهد چقدر می‌تواند جذاب و فراموش‌نشدنی باشد.

- یادگاری از مشهد در بخارا

بخارای شریف همچون شهر سمرقند بر است از آثار باستانی؛ آثاری که هر کدامشان روایتگر بخشی از تاریخ ایران هستند و شاهدی بر شکوه روزهای خراسان بزرگ. در این میان، ارگ بخارا همچون

روزی روزگاری



«هیئت ترقی اهل اروپا، در مقابل «هیئت تنزل مردم آسیا، اثر خامه حسین الموسوی. نقاش‌باشی آستان قدس رضوی، حسین الموسوی. روز چهاردهم شوال ۱۳۲۰ قمری، مطابق با چهاردهم ژانویه فرانسوی ۱۹۰۳ در صفحه ۲، شماره ۵، شماره سوم روزنامه «ادب»، یک تصویر طنز از کتاب «خانه‌الایام»، چاپ مصراکپی می‌کند و در روزنامه به چاپ می‌رساند. همین نقاشی است که پای کاریکاتور و طنز را به مطبوعات ایران باز می‌کند و می‌شود نقطه آغاز طنز در جراید مشهد.

در جایی از این شعر می‌خوانیم؛ یگانه گوهر دریای جود قوش یگی که کوه در نظر همتش کم است زکاه

● ● ●

وزیر کشور طوران چه داشت در خاطر به این حريم مطهر برد ز شوق پناه

قوش بیگی در دربار توران لقبی بوده است که به وزیر کشور داده می‌شده و در اینجا منظور فردی به نام «ألغ بیگ» است. او وزیر «عبدالحدین مظفر» (۱۸۸۶ تا ۱۹۱۰ میلادی) حاکم وقت بخارا بوده است. ألغ بیگ ایرانی و شیعه مذهب بوده و به دلیل اراדתش به ثامن الحجج^(ع) برای زیارت به مشهد آمده است و این شبیه را برای حاکم بخارا ارمغان برده است. الموسوی در این‌باره نوشته است:

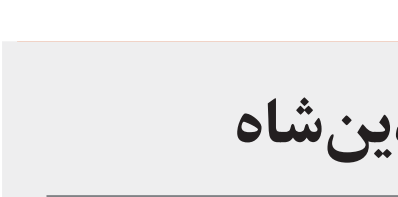
که گشت مدت یک سال این شبیه تمام کشید میرحسین نقش این به حال تباه

● ● ●

زارض توس به دربار ارمغان آورد خدای هست ز ما فی‌الضمیر او آگاه

در میان جست‌وجوهایی که بعد از دیدن این اثر هنری در مشهد و در مشورت با همکاران انجام دادیم، به یک نتیجه جالب دیگر هم رسیدیم و آن اینکه به احتمال فراوان نقاشی‌هایی مشابه آنچه در موزه بخاراست، سرآغاز عکس‌های حرم باگاهی باشد، نوعی از عکاسی که در میان زائران حرم مطهر رضوی طرف‌داران بسیاری داشته است و دارد.

هرچند امروز مرزهای انسانی در روابط بین‌الملل، بخارا و مشهد را از هم جدا کرده است، اما وجود این نقاشی، هزاران کیلومتر دورتر از مشهد، وسعت ایران قدیم و نزدیکی این دو شهر را نشان می‌دهد.



«بابالقمان سرخسی» زیر ذره‌بین عکاس ناصرالدین شاه



مرضیه تراپی مقبره «بابالقمان سرخسی» یکی از مشهورترین ابنیه تاریخی شمال شرق ایران است؛ بنایی بسیار معظم و زیبا از آجر که برخی، با اتکا به متن کتیبه موجود در بنا، آن را ساخته‌شده قرن هشتم می‌دانند و برخی دیگر معتقدند که این بنا، جز اصلاحاتی همچون گنبد دولاویه، به‌تامی در قرن پنجم و ششم هجری قمری ساخته شده‌است. «محمدبن محمدسرخسی»، مشهور به بابالقمان سرخسی که در برخی متون تاریخی وی را با نام «الغ بابا» می‌شناسند، از عرفای شوریده قرن چهارم هجری قمری و معاصر ابوسعید ابوالخیر میهنی بود. در آن روزگار، بازار عرفان در خراسان رونق فراوانی داشت و طریقت‌های متعددی در آن به فعالیت مشغول بودند. بابالقمان یکی از معروف‌ترین عرفای عصر خود بود که از وی به عنوان یکی از «عقلای مجانبین» یاد و به وی کراماتی منسوب می‌کردند. احتمالاًدلیل توجه ویژه به آرامگاه وی، نقل همین روایات و تمجید بزرگان عرفان از شخصیت و موقعیت معنوی بابالقمان بوده است. درباره زمان ولادت و وفات او اطلاعاتی در دست نیست و جز حکایاتی چند در کتاب‌های مشهور تذکره، مانند «تذکره‌الاولیا»ی عطاری «اسرار التوحید» محمدبن منور چیزی در اختیار نداریم و هر چه جز این‌ها درباره وی گفته شود، عموماً براساس افسانه باگمان و وهم است؛ هرچندکه در حقیقت و صداقت همان داستان‌ها نیز تردیدی وجود دارد. سال ۱۳۱۱ قمری/ ۱۲۷۲ خورشیدی، زمانی که عبدا...قاجار، عکاس رسمی دربار ناصرالدین‌شاه، مأموریت یافت تصاویر مربوط به بناهای تاریخی خراسان را تهیه و در قالب گزارشی مصور به شاه عرضه دارد، مقبره بابالقمان سرخسی، یکی از آن بناهای موردتوجه بود که عبدا...قاجار آن را در قالب دوربینش جاودانه کرد. این عکس که در «کشف تاریخ» امروز به بررسی محتوای آن پرداخته‌ایم، به احتمال زیاد

سنگ‌نگاره قاجار (۳)

فتح قدرت روی سنگ



هادی دقیقاً در شماره پیشین از یک سنگ‌نگاره در فیروزکوه و یکی درری گفتیم که امروزآثری از آن نیست. همچنین سه نقش برجسته از این دوره در استان فارس را معرفی کردیم. در ادامه به سنگ‌نگاره اصلی فتحعلی‌شاه در شهری نظر می‌اندازیم و پای نقش برجسته طاق بستان را به میان می‌کشیم.

پس از پایتخت‌شدن تهران، ری مکانی پرتردد شد که مسافران قم و اصفهان و... از آن می‌گذشتند. درنتیجه، ری برای توجه خریدن از مسافران و تأثیرگذاری بر آن‌ها به‌سبک پادشاهان هخامنشی و ساسانی موقعیت مناسبی داشت. درباره سنگ‌نگاره تنگه واشی گفتیم که شاه قاجار قصد فخرخروشی داشته است، اما موقعیت آن کتیبه در آن راه دشوار و پستیوبی که بیشتر خود خاندان قاجار از آن استفاده می‌کردند، آن را از دید عموم دور کرده بود. سنگ‌نگاره ری مشابه کارکرد تنگه واشی برای نشان دادن و ارضای جلال و شکوه شاه، منتها در معرض دید عموم ساخته شد. طنزآمیز است، اما زمانی که فتحعلی‌شاه در فکر چگونگی تجلیل از خودش و سلسله‌اش روی سنگ‌ها بود، آثار یادمانی در اروپای غربی بیشتر به سمت ایده‌ها و نمادهای ملی سوق می‌یافت تا اینکه صرفاً در خدمت بیان جلال و شکوه شخص فرمانروا باشد. پس بی‌خود نبود که آن جامعه‌قبیله‌ای تا مدت‌ها بعد همچنان از یک هویت ملی محروم بود و همه تلاش شاهان صرف جنگ و صلح قبیله‌ای می‌شد. البته پشت تصمیم شاه برای این کار دلایل زیادی ذکر شده است.

- شاهی شما و ما غلام

سنگ‌نگاره چشمه علی شهری نه‌فقط برای اندازه‌اش، بلکه به‌دلیل محل و زمان احداثش ارزش تاریخی، از همه سنگ‌نگاره‌های این دوره مهم‌تر است. سنگ‌نگاره چشمه‌علی که خانواده سلطنتی را با شاه در میان آنان نشان می‌دهد، درصدد القای قدرت و وحدت سلسله جدید به رعیت ممالک محروسه و شاید هم مخالفان دربار بوده‌است. این سنگ‌نگاره در اواخر سلطنت فتحعلی‌شاه یعنی چند سال پیش از مرگ او در سال ۱۲۵۰ قمری و ۳۵ سال پس از تاج‌گذاری او حجاری شده‌است. منطقه‌ای که پر از آثار تاریخی از جمله اتشکده بهرام، دژ سلجوقی، دژ شکان، قلعه ری، برج نقاره‌خانه، برج طغرل و... است و مرقد شاه‌عبدالعظیم حسنی هم بر جنبه مذهبی آن افزوده است و همچنین به‌عنوان چهارراه مواصلاتی از آن استفاده می‌شود. مکانی مناسب برای حجاری فتحعلی‌شاه در نظر گرفته می‌شود. دلیل روشنی برای کردن این سنگ‌نگاره در دست نداریم، اما شاید شکست فتحعلی‌شاه در جنگ دوم ایران و روس و بسته‌شدن عهدنامه ترکمنچای و حاکم‌شدن فضای ناامیدی بر جامعه دوره قاجار هم بر آن بی‌تأثیر نبوده است. به این‌ها باید این را هم اضافه کرد که فراوانی فرزندان فتحعلی‌شاه و درگیری دائمی آن‌ها با هم، ابهت پدانه او را شکسته بود و کشمکش‌های داخلی را هم زیاد کرده بود. همین موضوع باعث می‌شد مردم تصور کنند اوضاع دربار بی‌ثبات است.

در سنگ‌نگاره بزرگ چشمه‌علی که حکم یک عکس از آلبوم خانوادگی فتحعلی‌شاه را دارد، فقط شاهزادگان به‌تصویر کشیده‌شده‌اند. البته این نقش برجسته یک تفاوت عمده با تنگه واشی دارد؛ اینکه در آن، شاهزاده‌ها دیگر در حال شکارکردن و بازیگوشی نیستند و مثل دیواری از جنگجویان با ظاهری مردانه نقش شده‌اند. این‌شانزده شاهزاده که به‌ترتیب‌سن در این نگاره گرد فتحعلی‌شاهی ایستاده‌اند که بر تخت مرمز نشسته است، هم تبلیغی برای شاه هستند، هم تهدیدی برای مخالفان او. نکته دیگر اینکه محمدعلی میرزا دولت‌شاه که شرحش در سنگ‌نگاره طاق بستان خواهد آمد، با وجود اینکه از دنیا رفته بوده است، در اینجا حضور دارد، اما چند فرزند در قید شاه در تصویر نیستند.

سنگ‌نگاره چشمه‌علی با وجود مرمت‌های گاه‌وبیگاهش امروز پر از ترک است و حتی برخی بازدیدکنندگان هم به تخریب‌های آن دامن زده‌اند.

- خسروپرویز و درباری درگاه قاجاریان



سنگ‌نگاره دیگر دوره قاجار در طاق بستان کرمانشاه است. در این سنگ‌نگاره محمدعلی میرزا دولت‌شاه که سال ۱۲۲۷ قمری به‌دلیل ابتلا به ویادگزشت، همراهِ باد و پسرش و خواجه‌باشی ترسیم شده است. او بزرگ‌ترین پسر فتحعلی‌شاه و حاکم کرمانشاه، لرستان، خوزستان و همدان بود. این اثر از چند نظر مهم است؛ نخست اینکه در میان سنگ‌نگاره‌های این دوره هیچ‌کدام حاوی مضامین مذهبی نبودند. کتیبه این نقش برجسته در همان سال درگذشت محمدعلی میرزا به دستور خواجه‌باشی این شاهزاده قاجاری حک شده و از موقوفه‌ای سخاوتمندانه برای گرامیداشت شاهزاده، برای عزاداری عاشورا و تاسوعا خبر داده است. نکته دیگر اینکه بالای یکی از کتیبه‌های آن اصلاحی انجام و مقدار وقف کم شده‌است. موضوع بعدی این است که تان‌زمان در کتیبه‌های این دوره از اشعار شاعران معروف استفاده می‌شد. اما چند بیت از شاعری به نام «بسمل» در این کتیبه، حتی در خوش‌بینانه‌ترین حالت شبیه نظم‌آوری‌های معمولی است که تقریباً بیشتر ایرانی‌ها یک بار به‌صورت ناموفق آن را امتحان کرده‌اند. طنز ماجرا اینجاست که او در شعرش در این کتیبه، خسروپرویز را دربان درگاه محمدعلی میرزا معرفی می‌کند. دیگر اینکه متأسفانه این نقش برجسته در ایوان بزرگ طاق بستان و روبه‌روی مجلس تاج‌گذاری خسروپرویز ساسانی ثبت شده‌است. شمایل دولت‌شاه در این سنگ‌نگاره شبیه پدر تاج‌دارش است و به‌درستی معلوم نیست که او پیش از مرگش خودش دستور ساخت آن را داده‌است یا نه. این نقش برجسته هم مانند نمونه دروازه قرآن شیراز، رنگ‌آمیزی شده است.

قسمت آخر

کشف تاریخ